



Semnan University

Journal of Applied Arts

Journal homepage: <http://aaj.semnan.ac.ir>
ISSN: 2821-0670



Studying the Closure principle in minimal style posters of Shigeo Fukuda

Susan Shavandi¹, Farimah Fatemi² (Corresponding Author)

1- Master's Degree Student, Visual Communication Department, Pars Institute of Higher Education in Architecture and Art, Tehran, Iran.

2- Assistant Professor, Department of visual communication Faculty of Art and Architecture Tarbiat-e-Modares University, Tehran, Iran.

(Received: 23.06.2024, Revised: 29.09.2024, Accepted: 13.10.2024)

<https://doi.org/10.22075/aaj.2024.34537.1264>

Abstract:

Posters are among the media used for communicating information, which have been around for a long time to raise the awareness of the audience. Designers have always attempted to attract the attention of their spectators as quickly as possible by adopting various methods. Effective posters can be created to convey messages through minimalism and the Gestalt theory. "Less is more" is the motto that defines minimalism; that means, minimalist artists utilize minimal elements and colors in their designs. Using the Gestalt theory, which states that the human brain tends to function holistically, designers can guide their audience's thoughts toward what they tend to. One of the twelve principles of the Gestalt school is the Principle of Closure (i.e., filling in empty spaces in an apparently incomplete image), which takes into account the inclination of the audience's mind to complete incomplete subjects.

This study examines the principle of closure in minimalist poster design. Employing a descriptive-analytical method and documentary research, it focuses on the works of Shigeo Fukuda, a minimalist artist purposefully selected for his extensive use of Gestalt principles particularly closure through associative processes to enhance audience engagement. The central research question is: How can the principle of closure in Gestalt theory contribute to strengthening the durability and effectiveness of messages in minimalist posters? Findings suggest that closure stimulates the viewer's mind to complete incomplete images, enabling meaningful recognition and retention. The excitement it evokes ensures that the poster's message remains memorable and can be recalled even years later, thereby extending the poster's lifespan and reinforcing the permanence of the artist's message.

Keywords: Gestalt Theory, Closure Principle, Minimalism Style, Shigeo Fukuda, Poster.

1- Email: s.shavandi5857553@gmail.com

2- Email: F_fatemi@modares.ac.ir

How to cite: Shavandi, S and Fatemi, F. (2024). Studying the Closure principle in minimal style posters of Shigeo Fukuda, Journal of Applied Arts, 4(4), 69-84.

Doi: 10.22075/aaj.2024.34537.1264

مطالعه‌ی اصل بستر در پوستره‌های مینیمال شیگئو فوکودا

سوسن شوندی^۱

فریمه فاطمی (نویسنده مسئول)^۲

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد، گروه ارتباط تصویری، مؤسسه آموزش عالی معماری و هنر پارس، تهران، ایران.

^۲ استادیار، گروه ارتباط تصویری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۰۳، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۷/۲۲)

مقاله علمی-پژوهشی <https://doi.org/10.22075/aaj.2024.34537.1264>

چکیده

یکی از رسانه‌های اطلاع‌رسانی، پوستر می‌باشد که از دیرباز جهت آگاهی‌دادن به مخاطبان، مورد استفاده قرار می‌گرفته است. طراحان همواره با روش‌های گوناگون سعی بر جذب و جلب توجه هرچه بیشتر و سریع‌تر مخاطبین خود داشته‌اند؛ بهره بردن از سبک مینیمال و تئوری گشتالت^۱ نیز یکی از شیوه‌هایی است که توانسته راهگشای خلق پوسترهایی مؤثر در جهت پیام‌رسانی باشد. مینیمال یکی از سبک‌هایی است که شعارش «کم‌ترین بیشتر است» می‌باشد، بدین معنا که هنرمندان این سبک در طراحی‌هایشان از حداقل عناصر و رنگ استفاده می‌کنند. بر اساس نظریه گشتالت نیز، ذهن تمایل به کل‌نگری دارد؛ طراحان با استفاده از این اصل، ذهن مخاطب را به آنچه که تمایل دارند سوق می‌دهند. یکی از اصول دوازده‌گانه این مکتب، اصل بستر به معنای تکمیل تصاویر ناکامل است؛ در این اصل میل ذهن مخاطب به کامل کردن سوژه‌های ناقص، مورد توجه قرار گرفته‌است؛ بدین سان در راستای این مطالعه می‌توان به نقاط مشترک و اتصالاتی مابین سبک مینیمال و تئوری بستر پی برد.

این پژوهش به مطالعه‌ی اصل بستر در پوسترهایی که به سبک مینیمال طراحی گردیده‌اند، می‌پردازد. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و شیوه‌ی جمع‌آوری مطالب اسنادی می‌باشد. هدف، تحلیل و بررسی پوستره‌های هنرمند مینیمالیست، شیگئو فوکودا، با انتخاب هدفمند است که برای جذب بیشتر مخاطبان خود از اصول گشتالت به‌خصوص اصل بستر با به‌کارگیری فرآیند تداعی معانی بهره‌ی بسیار برده‌است. سؤال اصلی این پژوهش آن است که: اصل بستر در نظریه گشتالت چگونه می‌تواند در طراحی پوستره‌های مینیمال به افزایش ماندگاری و اثرگذاری پیام کمک نماید؟ نتیجه این تفکر منجر به فعالیت ذهن، جهت تکمیل تصویر ناقص و بازیابی و شناسایی تصویر به‌صورت کامل و معنادار است و توسط این تئوری، هیچانی که بر بیننده عارض می‌شود موجب به‌یادسپاری پیام پوستر گردیده و این پیام پس از سال‌ها مجدداً به‌وسیله همان اصل تداعی معانی با مشاهده تصویر مشابه، بازخوانی شده و تمام این تلاش‌ها به قصد طولانی‌تر شدن عمر پوستر و ماندگارتر شدن پیام هنرمند می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: تئوری گشتالت، اصل بستر، سبک مینیمال، شیگئو فوکودا، پوستر.

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد نویسنده اول با عنوان «مطالعه اصل بستر تئوری گشتالت در پوستره‌های سبک مینیمال (مطالعه موردی: پوستره‌های شیگئو فوکودا)» در مؤسسه آموزش عالی معماری و هنر پارس است که به راهنمایی نویسنده دوم انجام شده‌است.

1- Email: s.shavandi5857553@gmail.com

2- Email: F_fatemi@modares.ac.ir

شیوه ارجاع به این مقاله: شوندی، سوسن و فاطمی، فریمه. (۱۴۰۳). مطالعه اصل بستر در پوستره‌های مینیمال شیگئو فوکودا، نشریه هنرهای کاربردی، ۴(۴)، ۸۴-۶۹. Doi: 10.22075/aaj.2024.34537.1264

ارتباط و ادراک بصری از آغاز آفرینش بشر همواره لازمه ادامه‌ی زندگی بوده و انسان‌ها به واسطه ایجاد تصاویر، سعی در برقراری ارتباط با یکدیگر داشته‌اند. در اصل، رسانه‌های بصری (بالاخص پوستر که تصویر و نوشتار را با هم در خود دارد)، سهم بزرگ‌تری برای انجام وظیفه اطلاع‌رسانی در این حوزه به‌عهده دارند و برای انجام بهتر این مسئولیت، توجه به یکسری اصول و رعایت نکات بصری نتایج مثبتی را به بار خواهد آورد. «انسان امروز در عصر تراکم تصویری زندگی می‌کند، چرا که تصاویر در همه‌جا و همه اشکال قابل تصور، وجود دارند؛ بنابراین باید قادر به خواندن و تجزیه و تحلیل این تصاویر بوده و درک کند که آن‌ها چگونه به یکدیگر مربوط شده و با بیننده‌های متفاوت ارتباط معنایی برقرار می‌کنند» (امینی‌زنگان، ۱۳۹۹: ۱۱). در این پژوهش برای حصول به این مقصود، پوستر به‌عنوان رسانه‌ای برای آگاهی دادن به مخاطبان به‌جهت دارا بودن قابلیت استفاده از تصویر و نوشته همزمان یا به‌تنهایی، برگزیده شده‌است؛ همچنین جهت میزان تأثیر استفاده از سبک مینیمالیسم^۲ توسط بهره بردن هرچه کمتر از عناصر و رنگ، در طراحی پوستر، نمونه‌هایی از آثار فوکودا^۳ پیرو این سبک هنری بررسی می‌گردد. در ادامه رعایت اصول تئوری گشتالت برای جذب سریع‌تر مخاطب با بهره‌گیری از تمایل مغز به کلی‌نگری و حذف جزئیات برای ساده‌تر کردن سوژه مورد مذاقه قرار می‌گیرد. شایان ذکر است که اصل بستر^۴ یکی از اصول این نظریه است که با کشف و تشخیص تصویر و همین‌طور درک پیام پوستر^۵، مشاهده‌گر به هیجان آمده و به وسیله فرآیند تداعی معانی^۶، این پیام دریافت شده ماندگارتر می‌گردد. قانون اقناع‌سازی^۷ نیز مورد دیگری است که در این پژوهش مطالعه شده و یکی دیگر از راه‌های جذب مخاطب و در نتیجه موجب به‌خاطر سپاری تصویر کلی پوستر و مفهوم آن می‌گردد.

مطالعه موردی در این پژوهش، پوسترهای مینیمال شیگئو فوکودا با اصل بستر می‌باشد که مورد تحلیل و

بررسی قرار می‌گیرد. «تحلیل عبارت است از تقابل میان ذهن پژوهشگر و داده‌ها» (استراوس و کربین، ۱۳۹۰: ۳۵). روش انتخاب نمونه‌ها در این تحقیق هدفمند بوده‌است؛ بدین معنا که نمونه‌هایی در تحقیق بررسی گردیده‌اند که دارای خصوصیات ویژه مدنظر پژوهشگر می‌باشند. از جمله این ویژگی‌ها: مینیمال بودن، رعایت یک یا چند اصل از اصول تئوری روان‌شناسی گشتالت به‌ویژه اصل بستر؛ همچنین استفاده هنرمند از فرآیند تداعی معانی هستند. ابزار ابتدایی جهت بررسی نمونه‌های به‌دست آمده، مشاهده بوده‌است؛ بدین معنا که پس از مشاهده دقیق نمونه‌ها، به توصیف و تحلیل آن‌ها پرداخته شده‌است.

پیشینه پژوهش

مطابق جستجوهای به عمل آمده، تاکنون پژوهشی در حیطه پوستر که هر دو کلیدواژه اصول ادراک بصری و سبک مینیمال را در بر بگیرد انجام نشده‌است. اما به‌صورت مجزا در ارتباط با پوستر و نیز تأثیر قوانین گشتالت در اینگونه پوسترها می‌توان به نمونه‌هایی دست یافت. ویژگی دیگر این پژوهش این است که به تأثیر اصول دیگر گشتالت علاوه بر اصل شکل و زمینه، بر طراحی پوستر جهت جذب بیشتر مخاطب و تأکید بر استفاده از فرآیند تداعی معانی برای بازخوانی سریع‌تر رمزگان پوستر همچنین ماندگارتر شدن پیام آن پرداخته و همین‌طور درمورد ۱۲ اصل از اصول گشتالت با توجه به قانون پراگماتیک^۸ بحث به میان آورده می‌شود. از سویی دیگر تحقیق حاضر به تحلیل پوسترهای مینیمال شیگئو فوکودا شاخص این سبک با تحلیل نمونه موردی از پوسترهای وی با درنظر گرفتن اصل بستر می‌پردازد، از جمله:

- امینی‌زنگان در پژوهش خود با عنوان «بررسی تأثیر مینیمالیسم بر پوسترهای معاصر ایران در دهه» (۱۳۸۷-۱۳۹۷)، ابتدا چکیده‌ای از تاریخچه طراحی مینیمال و در زمینه پیدایش مینیمال سخن گفته و در پی آن مینیمالیسم را در هنرهای مختلف از جمله ادبیات، موسیقی، معماری، هنرهای تجسمی و...

توضیح داده‌است و به‌طور اخص مینیمالیسم و پوستر را مطرح کرده‌است.

- ایتن در کتاب «هنر رنگ ایتن» (۱۳۹۳)، درباره کنتراست همزمانی اینگونه آمده‌است: کنتراست همزمانی از این حقیقت نشأت می‌گیرد که چشم با مشاهده هر رنگ، به‌طور همزمان به رنگ مکمل آن نیاز پیدا می‌کند و در صورت حاضر نبودن این مکمل، ذهن خودبه‌خود آن را ایجاد می‌کند. به‌همین دلیل، اصل اساسی هماهنگی رنگ، شامل و مستلزم قانون مکمل‌هاست. رنگ مکملی که در اثر همزمانی ایجاد می‌شود، به‌صورت یک احساس در چشم بیننده به‌وجود می‌آید و حضور عینی می‌یابد. نمی‌توان از آن عکس گرفت. کنتراست همزمانی از طریق استدلال، با کنتراست پی‌درپی یکی، استنباط می‌شود. این توضیحات در واقع اصل ادراک دیداری را تنها در حیطه رنگ اثبات می‌کند.

- رابرت استرنبرگ نویسنده کتاب «Cognitive psychology» (۲۰۰۳)، در زمینه ادراک بصری، بر اساس روانشناسی گشتالت چنین نوشته‌است: ما زمانی به بالاترین درک از پدیده‌های روان‌شناختی می‌رسیم که آن‌ها را به‌صورت واحدهایی منظم و سازمان یافته در نظر بگیریم، نه این‌که آن پدیده‌ها را به اجزایی کوچک‌تر تقسیم کنیم. در حقیقت، مکتب گشتالت واکنشی در برابر گرایش رفتارگرایی به‌حساب می‌آید که ادراک آن از رفتار، از لحاظ شرطی‌سازی بود. همچنین، می‌توان آن را نقطه مقابل گرایش ساختارگرایی دانست که در آن، فرآیندهای ذهنی (روانی) در هیجانات اولیه تجزیه می‌شدند. این قاعده کلی که «کل هر چیزی، فراتر از مجموع اجزای آن است» را می‌توان خلاصه‌ای از رویکرد گشتالت در نظر گرفت.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی و به روش توصیفی-تحلیلی است، همچنین جمع‌آوری اطلاعات، اسنادی می‌باشد. جهت دست‌یابی به مبانی نظری، از اصول

نظریه روانشناسانه‌ی گشتالت و به طور خاص اصل بستر بهره برده شده‌است.

مبانی نظری پژوهش

پوسترها، به‌عنوان یکی از رسانه‌های قدرتمند تصویری، تبلیغ موقتی با یک ایده محسوب می‌شوند که محصول، خدمات یا رویدادی را برای دیده شدن در فضای عمومی قرار می‌دهند؛ پوسترها با دسته‌بندی موضوعی همچون فرهنگی، تجاری و اجتماعی سعی در آگاه‌سازی مخاطبین هدف خود دارند و در این راستا سؤال‌برانگیز، تفسیرگر، مهیج و قانع نیز می‌باشند. یکی از ویژگی‌های بارز در طراحی پوستر پرهیز از زیاده‌گویی است و در مواردی که پوستر دارای عوامل تصویری و نوشتاری پرشماری هستند، اغلب تأثیر منفی بر انتقال پیام به مخاطب را به همراه خواهند داشت. معرفت زبان همه قدرت خود را مدیون توانایی ارتباطی خود است و این ارتباط فقط در گرو واژگان و زبان کلامی نیست. چه کلام و چه تصویر تجمع دال و مدلول است که به زبان قدرت می‌بخشد و ارتباط را معنادار می‌کند. «ارسطو هدف از ارتباط را اقناع دیگران گفته‌است. مشابه این نظر را می‌توان در مباحث ارتباطات اقناعی در حوزه رسانه‌ها نیز یافت. در مباحث مربوط به ارتباطات میان‌فردی، بیشتر از ارتباطات تأثیرگذار صحبت می‌شود و هدف از ارتباطات را تأثیرگذاری می‌نامند» (محسنیان‌راد، ۱۴۰۱: ۶۰۸). طراح برای برقراری ارتباط سریع و تأثیرگذار با مخاطبین خود و تلاش برای ارسال پیام از تکنیک‌های مختلفی استفاده می‌نماید؛ از جمله: رعایت اصول ادراک بصری و ازسوی دیگر به‌کارگیری سبک‌های متفاوت هم‌راستا با موضوع در جهت اقناع سازی مخاطب؛ مانند سبک مینیمالیسم.

اقناع‌سازی

اقناع یا راضی کردن در مبحث ارتباطات نقطه اوج بوده و از مصدر قناعت گرفته شده‌است. معانی که برای قناعت به‌کار رفته از جمله: سیری، اشباع، بسندگی، به ثمر نشستن، بی‌نیازی و کامل شدن؛ و این‌ها همه نشانه‌هایی از پیروزی و رضایت‌مندی اقناع‌کننده

بخشی از یک سیستم حسی است که ورودی‌های حسی را دریافت کرده و اطلاعات حسی را به مغز منتقل می‌کند. درحقیقت ادراک از ترکیب اطلاعات حسی با مکانیزم تفکر ایجاد می‌شود. «با توجه به مفهوم ادراک، ادراک بصری عبارتست از توانایی تفسیر محیط پیرامون با استفاده از نور (در گستره قابل مشاهده) که توسط اشیاء پیرامون بازتاب می‌شود. برای شرح و بیان چگونگی ادراک محیط پیرامون تاکنون تلاش‌های فراوانی انجام شده‌است، به‌ویژه کوشش‌هایی که برای پیشبرد فلسفه زیبایی‌شناسی انجام شده، مبانی نظری طراحی را تحت تأثیر قرار داده‌اند. طراحان همیشه در فهم نظریه‌های ادراک با مشکل مواجه بوده‌اند. درنتیجه در مورد اهداف طراحی بر اساس مدارک بسیار ناقص، نتایج قطعی گرفته‌اند» (همائی‌فر، ۱۳۹۷: ۶). در واقع تلاش برای فهم قوانین پنهان در توانایی ادراک و تفسیر دنیای ظاهراً بی‌نظم پیرامون، روان‌شناسی گشتالت است. به این معنا که تشکیل یک کلّ جهانی توسط ذهن با بهره‌گیری از تمایلات خودسازمان‌دهی آن، پایه‌های اصلی روانشناسی گشتالت را تشکیل می‌دهند. «پدیده گشتالت اولین بار در سال ۱۹۱۰ در ذهن ماکس ورتایمر^۹ روان‌شناس چک تبار، شکوفا شد. این اتفاق به‌سادگی، زمانی رخ داد که وی در حال مسافرت با قطار متوجه شد درخت‌ها، خانه‌ها و اشیای دیگری که پیرامون وی در خارج از قطار دیده می‌شوند، درحال حرکتند... وی آزمایش‌های بعدی خود را به کمک دونفر از استادان جوان دانشگاه فرانکفورت، کورت کوفکا^{۱۰} و ولفگانگ کهلر^{۱۱} ادامه داد. این سه تن مثلث بنیان‌گذاران روان‌شناسی گشتالت را تشکیل می‌دهند.» (دین‌پناه، ۱۳۹۳: ۴۳-۴۲).

ورتایمر توصیفی اینگونه ارائه داده: «گشتالت یا کلّ تجربه ادراک شده، دارای خاصیتی است -مثلاً حرکت- که در اجزای آن وجود ندارد». روانشناسی گشتالت در زمینه رنگ هم مصداق دارد و کنتراست همزمانی نوعی خطای دید می‌باشد که ذهن با دیدن یک رنگ، رنگ مکمل آن را می‌سازد. «کنتراست همزمانی از این حقیقت ناشی می‌شود که چشم با

می‌باشند. به‌طور کلی اقناع هدف بنیادی و نهایی همه انواع رفتارهای ارتباطی است. «بر اساس تئوری یادگیری، پیام اقناعی زمانی اقناع‌کننده است که به‌واسطه گیرنده آموخته و پذیرفته شود؛ تبلیغ باید در معرض دید قرار گیرد؛ درک شود؛ آموخته شود؛ به یاد بماند و موجب عمل گردد» (پراتکانیس و آرتسون، ۱۳۸۳: ۳۳). ما در هر مسیر کاری که قرار داشته باشیم همواره تلاش می‌کنیم افکار، ایده‌ها، امیدها و رؤیاهایمان را به نحوی انتقال دهیم که علاوه بر ترغیب دیگران به واکنش نشان دادن، به اهداف مورد نظر پیام دست یابیم. «این همان هنر متقاعد کردن اخلاقی است. بدون این مهارت حیاتی، به‌دست آوردن موفقیت در هر سطحی و داشتن زندگی سرشار از موفقیت بسیار دشوار است» (بلفورت، ۱۴۰۰: ۲۰). نکته مهم در اقناع‌سازی، جلب اطمینان و اعتماد مخاطب است. این اطمینان باید یا به ارتباط‌گر باشد یا به محتوای تولید شده. «در حقیقت اطمینان به دو دسته تقسیم می‌گردد: اول اطمینان منطقی که بر پایه حرف‌هایی است که به زبان می‌آوردید، یعنی آمار و ارقام واقعی، ویژگی‌ها، برتری‌ها و ارزش پیش‌بینی‌شده در بلندمدت است... دوم اطمینان احساسی بر اساس غریزه‌ای درونی است که به ما می‌گوید چیزی بدون شک خوب است... کدام‌یک از این دو نوع اطمینان مهم است؟ پاسخ این است که هر دو مهم هستند و برای رسیدن به بالاترین سطح، جفت‌شان بسیار ضرورت دارند» (بلفورت، ۱۴۰۰: ۳۸-۳۶). تاکتیک‌های اقناعی ساده‌نگر، یک خطر ماهوی به‌دنبال دارد؛ اگر شما می‌توانید با موفقیت از این فن استفاده کنید، هر فرد دیگری نیز قادر خواهد بود چنین کند. «با همان روشی که دیگران را قانع می‌سازی، آنان نیز تو را اقناع می‌کنند» (پراتکانیس و آرتسون، ۱۳۸۳: ۳۱۳).

مکتب گشتالت (ادراک بصری)

ادراک، فرآیند کسب اطلاعات از محیط اطراف انسان است؛ ادراک در واقع نقطه‌ای است که شناخت و واقعیت به هم می‌رسند، به منظور دریافت اطلاعات از محیط پیرامون، انسان با ارگان‌های حسی مانند چشم، گوش، بینی و غیره مجهز شده‌است. هر ارگان حسی

مشاهده هر رنگ، به‌طور همزمان به مکمل آن نیاز پیدا می‌کند و در صورت عدم حضور این مکمل، خودبه‌خود آن را ایجاد می‌کند. به‌دلیل این حقیقت است که اصل اساسی هماهنگی رنگ، شامل و مستلزم قانون مکمل‌هاست» (ایتن، ۱۳۹۳: ۱۰۴). از منظری دیگر هنرمندان با شناخت اصول تئوری گشتالت و تأثیر آن‌ها بر روی مخاطب به تجربیاتی دست می‌یابند که قابل تأمل است و از اهمیت بالایی جهت ایجاد هیجان در مخاطب برخوردار است که در این مورد اینگونه مطرح گردیده‌است: «آنچه در نظریه گشتالت توجه هنرمندان را بیشتر به خود جلب کرد، یافته‌ها و تجربیاتی در زمینه ادراک بصری بود که موجب خودآگاهی بیشتر هنرمندان در خلق اثر می‌شد، این تأثیر یا به بیان دیگر پیش‌آگاهی از چگونگی متأثر ساختن مخاطب توسط هنرمند، مشتاقان بسیاری یافت و ابزاری به دست هنرمند می‌داد تا همچون جادوگران، مخاطبان خود را با به‌کارگیری ترفندهای بصری، که به صورت ذاتی در فرآیند ادراکی آن‌ها وجود داشت، شگفت‌زده کنند. علاوه بر آن، برخی از نظریه پردازان هنرهای تجسمی که پیرو نظریه گشتالت بودند با تفسیر این نظریه در هنر و تشریح قوانین و اصول آن در سازمان‌دهی ادراک بصری، موجب روزافزونی اعتبار آن شده‌اند (Nute, 1993: 127). یک کلّ می‌تواند دارای اجزاء باشد و عناصر یا نشانه‌های دیگری را در درون خود قرار دهد. به این ترتیب، رابطه‌هایی مانند رابطه کلّ با کلّ، کلّ با جزء، جزء با جزء و جزء با کلّ شکل می‌گیرد. اصول تئوری گشتالت در بسیاری موارد به هم نزدیکند و ممکن است تعدادی از آن‌ها به‌طور همزمان در یک اثر گرافیکی به‌کار رود که این امر سبب پراگمانس بالاتری در اثر خواهد شد و در نتیجه تأثیر عمیق‌تری روی مخاطب می‌گذارد.

«در زیر، با تأکید بر تشابهات موجود میان این اصول می‌توان به وجوه اشتراک میان آنان و کاربردهای آن در طراحی گرافیک پی برد:

همجواری ← به‌صورت گروهی در آوردن، به دلیل داشتن ویژگی مجاورت عناصر با یکدیگر / احاطه شدن

← کامل نمودن یک موجودیت بزرگ‌تر / استمرار ←
تداوم یک مسیر/ همسانی ← شباهت در خصوصیات
خط، شکل یا فرم/ شکل زمینه ← امکان وجود،
توسط ایجاد کنتراست» (Lee, 2007: 21).

اصل بستر (یکپارچگی یا تکمیل)

اصل اساسی نظریه ادراک گشتالت قانون پراگمانس است، که توضیح می‌دهد ذهن انسان تمایل دارد تجربیات خود را به گونه‌ای منظم، مرتب، متقارن و ساده طبقه‌بندی کند. از این‌رو از آغاز، روانشناسان گشتالت تلاش می‌کردند تا ضوابط و مقررات قانون پراگمانس را کشف کنند و با تدوین قوانینی مشخص ما را قادر سازند که به پیش‌بینی و تفسیر ادراکات بپردازیم. طی دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ میلادی مثلث بنیانگذاران نظریه گشتالت، ورتایمر، کوهرلر و کافکا، بسیاری از قوانین گروه‌بندی را از طریق مطالعه ادراک بصری فرمول‌بندی کردند. این قوانین یا اصول تحت عنوان قوانین گشتالت شناخته می‌شوند که از این قرارند: مجاورت، مشابهت، تداوم (تداوم خوب یا پیوستگی)، تکمیل (بستر یا یکپارچگی)، سرنوشت مشترک، فراپوشاندگی، تقارن، تجربه پیشین، شکل و زمینه، موازات، منطقه مشترک، عنصر متصل. «تأثیر و نفوذ قانون پراگمانس در اصل بستگی بیشتر از دیگر اصول مشهود است» (شاپوریان، ۱۳۸۶: ۹۸). اصل بستر و شکل و زمینه، از قوی‌ترین اصول این تئوری از نظر پراگمانس هستند که ارتباط گسترده‌ای با مخاطب از طریق جلب‌توجه سریع توسط درگیرکردن ذهن او برقرار می‌نمایند، آن‌گونه که شیگئو فوکودا به‌عنوان پیش‌تاز سبک مینیمال این اصول را به‌صورت بارزی در آثارش به کار برده‌است.

اصلی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته، اصل بستر یا تکمیل است که نام‌های دیگر هم دارد از جمله: یکپارچگی و فروبستگی. «براساس این اصل، چنانچه بخشی از تصویر یک شکل پوشانده شده یا جا افتاده باشد، ذهن به طور خودکار آن را تکمیل می‌کند و به صورت یک شکل کامل می‌بیند. به بیانی دیگر، چشم ما اشکال ناقص و ناتمام را به صورت کامل و یکپارچه می‌بیند. این اصل فقط به حس بینایی

پژوهشگران نواندیش قرار داد. از زمان نشر این کتاب واژه مینیمالیسم به پهنه وسیع‌تری از تلاش‌ها و انگیزش‌های هنری همانند طراحی‌های رقصی ایوان راینر، موسیقی فیلیپ گلس استیو رایک و رمان‌های آن بیتی و ریموند کارور اطلاق می‌شد. هنرمندان به شیوه‌های گوناگون به این تحولات واکنش نشان می‌دادند.

البته گاهی ویژگی مینیمالیسم یعنی سادگی و استفاده کمتر از عناصر و المان‌ها در آثار هنری کاربرد ندارد به‌خصوص هنرهای ایرانی، همچنان که بعضی از هنرمندان غیر ایرانی بر این نظر هستند که: «کم خود بیش است»، به عنوان فرزند هنر مدرن، این سخن را بارها و بارها شنیده‌ام، شعاری که گویی ریشه در افکار هندوئیسم دارد. بهتر است برای این شعار یک جایگزین بهتر پیدا کنیم که بتوان به آن باور عمیق داشت، می‌توان از لفظ کافی به جای کمتر استفاده نمود و بهتر است بگوییم، فقط چیزی بیشتر است که کافی باشد یا به همان شیوه بگوییم» (حسینی، ۱۳۸۸: ۶۹). «کافی خود بیش است» (Ozler, 2006: 134).

تداعی معانی

فرآیندهای شناخت و بازشناخت در طراحی گرافیک، فرآیندی پیوسته از فهم و دانش مخاطب اول (طراح) و مخاطب دوم (بیننده) است که همواره از مسیر تجربه، تفکر و تخیل به دست می‌آید. طراح گرافیک کسی است که همواره به ماده خود که همانا نشانه‌های بصری است معنا می‌بخشد و آن را از طریق فرم‌ها و رمزگان‌ها، تبیین می‌سازد (نیوآرک، ۱۳۹۳: ۲۴). در گستره زبان تصویری، ساحت‌های آشنایی‌زدایی و فرآیند نشانگی، در ایجاد دگرگونی فرآیند ادراک، راهکارهای اثرگذار در جریان‌های هنری هستند که به موازات وجود ریشه‌های مشترک میان آن‌ها در نشانه و مفهوم، بر عامل ادراک انسانی در دو سوی مسیر درک و دریافت طراح و بیننده اثر نیز استوارند. در سیر فرآیند گرافیکی، کشف، لحظه رویارویی و ادراک بیننده هنگام مواجهه وی با اثر است. این در حالی است که دگرگونی، به‌منظور انتقال پیامی متفاوت به

محدود نیست، فرض بر این است که همین اصل در تمام حواس، عمل می‌کند» (دین‌پناه، ۱۳۹۳: ۴۸). مطالعات نشان می‌دهد علت اینکه ذهن، یک شکل معمول را که توسط احساس دریافت نشده، کامل می‌کند این است که تمایل دارد قاعده‌مندی محرک‌های پیرامون را افزایش دهد. «شاید عدم توانایی در تفکیک عناصر و یا یکپارچگی و ادغام همه آن‌ها با یکدیگر به دلیل فاصله بسیار زیاد ما با آن‌ها این مسأله را به وجود می‌آورد» (شعیری، ۱۳۹۱: ۷۵). «جفری کیدی^{۱۲} اظهار داشت: «من به هیچ‌وجه نقشمان را در تحمیل تغییری در ارتباطات نمی‌بینم». ارتباطات همواره جاری هستند. در این مورد، باری دک^{۱۳} قاطع‌تر است: «من حقیقتاً به الگویی علاقمندم که کامل نیست. الگویی که به درستی زبان ناکامل یک دنیای ناکامل را که محل سکونت موجوداتی ناکامل است، منعکس می‌کند.» (ویل، ۱۳۸۶: ۱۲۱-۱۲۰).

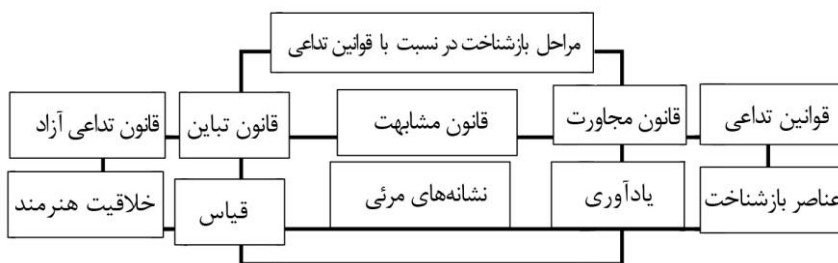
مینیمالیسم

ساده‌گرایی، مینیمالیسم یا هنر کمینه‌گرایی یک مکتب هنری است، اساس آثار و بیان خود را بر پایه سادگی بیان، روش‌های ساده و خالی از پیچیدگی فلسفی یا شبه فلسفی بنیان گذاشته‌است. «این اصطلاح نخستین بار توسط ریچارد ویلیام فیلسوف هنر انگلیسی در ۱۹۶۵ به کار رفت. مینیمالیسم سبک و سیاقی است که در گذر از مدرنیسم به پست مدرنیسم نقش اساسی داشت ولی به میزانی که شایسته‌اش بود به آن توجه نشده‌است. این نقش بیشتر خود را در آینده، «هنر/ فلسفه و هنر / نظریه» مینیمال در هنر نقاشی ظهور کرد، در هنر مجسمه‌سازی رشد کرد و در سایر هنرها خود را نشان داد» (امینی‌زنگان، ۱۳۹۹: ۲۴). «ساده‌گرایان بر این باورند که با زدودن حضور فریبنده ترکیب‌بندی و کاربرد موارد ساده و اغلب صنعتی که به شکلی هندسی و بسیار ساده شده قرار گرفته باشند، می‌توان به کیفیت ناب رنگ، فرم، فضا و ماده دست یافت، مانند مالویچ با اثر سفید روی سفید» (قاسمی‌نیا، ۱۳۹۷، ۲۶). کتاب مهم هنر مینیمال یک جنگ / انتقادی نوشته گرگوری بتاک، گستره تازه‌ای برای بحث‌های زیباشناختی این هنر فراسوی

بیننده، به‌خصوص از سوی طراح و در ابعاد نشانه‌ای انجام می‌پذیرد. کشف و دگرگونی موقعیتی خاص و متفاوت برای انتقال پیام است که در آن همواره قوه تعقل و تفکر مخاطب را جهت آگاه ساختن او از امور پیرامون خود درگیر می‌سازد (مهروند و عطاری‌خامنه، ۱۳۹۳: ۱۷۷). «با این تفاسیر، می‌توان گفت که کشف و دگرگونی در فرآیند خلق اثر گرافیکی و مواجهه با آن وجود داشته و به‌ترتیب در وابستگی به دو اصل ساختار نشانه‌ای و اصل تداعی تبیین‌پذیر است، آن‌چنان که ایجاد دگرگونی از سوی طراح گرافیک حاصل تغییر و دگرگونی ساختار نشانه‌ای بوده و لذا تحولی بیرونی است و کشف نیز در راستای درک و

دریافت تغییرات درونی رخ می‌دهد که تداعی مفهومی متفاوت و متمایز از پیش بوده و حاصل آن نیز انتقال از ناآگاهی به آگاهی بیننده است» (استخریان حقیقی، ۱۴۰۰: ۸۴-۸۳). هر اثر هنری دو مخاطب دارد، مخاطب اول، خود طراح است که ابتدا باید شناختی از موضوع مورد نظرش داشته باشد و از نشانه یا نشانه‌هایی برای انتقال مفهوم اثر استفاده کند. مخاطب دوم بیننده اثر است که توسط بازشناخت موضوع اثر و دریافت معنای نشانه‌های موجود در اثر هنری توسط قانون تداعی آزاد به درک پیام آن نائل می‌گردد که این روند، تقابل ادراک مخاطب در نسبت میان شناخت و بازشناخت می‌باشد (نمودار ۳-۱).

نمودار ۱- مراحل بازشناخت در نسبت با قوانین تداعی. منبع: (استخریان و احسنت، ۱۴۰۰: ۸۸)

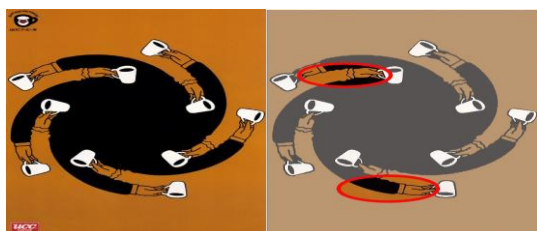


تحلیل آثار فوکودا

هنرمندی که آثارش مورد مطالعه این پژوهش قرار گرفته‌است، شیگئو فوکودا، طراح پوستر ژاپنی می‌باشد. در اثر اول او در پژوهش حاضر، ترکیب پله‌ها و فیگورها به شکل حرف اِس انگلیسی طراحی شده است. در بخش‌هایی از آن اصل بستر به چشم می‌خورد به گونه‌ای که نمایه‌های انسان، ناکامل طراحی شده‌اند، یعنی سه نفری که در حال بالا رفتن از پله‌ها هستند قسمتی از یک پایشان، گویی در سایه پلکان محو شده اما مخاطب آن‌ها را انسان‌هایی با پاهای سالم و کامل درک می‌کند. همچنین دو نفر به‌طور معکوس و غیرمنطقی ترسیم گردیده‌اند که یکی از آن‌ها سر و تنه‌اش مشاهده نمی‌شود ولی باز هم مفهومی که مشاهده‌گر درک می‌نماید یک انسان با تمام ویژگی‌هایی است که در تجربه پیشین ذهنش ذخیره دارد و توسط تداعی معانی برایش بازیابی می‌گردد. هنرمند با به‌کارگیری یکی دیگر از اصول گشتالت یعنی اصل شکل و زمینه مفهوم تصویر را در

ذهن جابه‌جا می‌نماید، فوکودا، همزمان با به کار بردن دو رنگ قرمز و سیاه با کنتراست بالا، فضای مثبت و منفی ایجاد نموده و توسط ایجاد خطای دید با جابه‌جایی نگاه بیننده، او را وادار به مکث و دقت بیشتر در تصویر کرده و موجب درگیر کردن ذهن او و تولید هیجان به واسطه کشف دو تصویر، یکی سوژه و دیگری در زمینه یعنی بخش رویی پله‌ها گردیده در نتیجه موجب ماندگار کردن پیام پوستر شده‌است. با اولین نگاه به این پوستر، افرادی مشاهده می‌شوند که از پله‌ها به سمت پایین می‌روند اما با کمی دقت به‌نظر می‌آید همزمان عده‌ای دیگر به سمت بالا نیز گام برمی‌دارند، با این تفاوت که معکوس و غیرممکن هستند؛ ظاهراً این اشخاص همزمان هر دو مسیر را درمی‌نورند، پلکانی غیرعادی که جهت مشخصی ندارند. هنرمند برای ایجاد توهم دیداری، دو تصویر متفاوت پلکان را از وسط برش زده و مسیر پله به سمت بالا را در کنار پلکان به سمت پایین قرار داده، درواقع دو مسیر بالا و پایین را با هم ترکیب کرده

دست‌ها همراه با فنجان حاوی قهوه نشانی از عشق و محبتی است که هنگام نوشیدن آن به افراد مستولی می‌گردد، از این جهت که قهوه آرام‌بخش است و با نوشیدن آن مهر و عطف در انسان تشدید می‌شود و معمولاً افرادی که به هم علاقه دارند، از نوشیدن قهوه با یکدیگر لذت می‌برند. درهم پیچیدن دست‌ها، در آغوش گرفتن را به نمایش می‌گذارد و نزدیکی آن‌ها را تداعی می‌نماید. معنای دیگری که از این چرخش درک می‌گردد تشابه آن به نشان رادیوکتیو است. اصل شکل و زمینه با استفاده از فضای مثبت و منفی، مفهوم تصویر را بین دست‌های با آستین سیاه و آستین همرنگ زمینه در ذهن جابه‌جا می‌کند که این خصوصیت نوعی خطای دید را به وجود آورده‌است و هنرمند ذهن بیننده را درگیر تصاویر درهم تنیده شده می‌نماید، هم‌چنین اصول دیگر تئوری گشتالت از جمله: مشابهت، مجاورت، عنصر متصل، پیوستگی، منطقه مشترک، موازات، تکرار و سرنوشت مشترک در قسمت دست‌ها و فنجان‌های طراحی شده، دیده می‌شود. به نوعی دیگر می‌توان این پوستر را تحلیل کرد که منظور هنرمند از به‌کار گرفتن پنج دست از هر جنس اشاره به پنج قاره و دایره‌مانند بودن تصویر، تأکید بر کره زمین دارد، همین‌طور برابری زن و مرد در بهره‌گیری از امکانات، مفهوم دیگری است که می‌توان از آن برداشت نمود. از تک‌رنگ کروماتیک آکر که به رنگ قهوه‌ای روشن می‌باشد و دانه‌های قهوه را تداعی می‌کند برای زمینه استفاده گردیده به‌اضافه رنگ آن کروماتیک سیاه و سفید برای سوژه، که باز این کم بودن تعداد رنگ‌های به‌کار رفته از ویژگی‌های سبک مینیمالیسم است که این سبک علاوه بر هندسی بودن و ایجاز شاخصه دیگری دارد که آن تکرار می‌باشد و هنرمند با طراحی متعدد دست‌ها از این ویژگی مینیمال نهایت بهره را برده‌است (تصویر ۲).



تصویر ۲- غرفه قهوه UCC در نمایشگاه ۸۵ تسوکوبا ژاپن ۱۹۸۴
(URL: 2) منبع: اثر فوکودا.

تحلیل تصویری ۲- پوستر UCC. منبع: (نگارندگان)

است. بدین صورت پلکانی غیرمنطقی که جهت بالا و پایین آن مشخص نیست به وجود آورده‌است. پلکانی که سمت راست و چپ آن با یکدیگر متفاوت است و فقط در قسمت میانی مرز مشترک دارند و به‌همین دلیل مشاهده‌گر قادر نیست جهت پله‌ها را تشخیص دهد. از تک‌رنگ کروماتیک قرمز برای زمینه استفاده گردیده و رنگ آن کروماتیک سیاه برای نشان دادن عناصر به‌کار رفته‌است که استفاده حداقلی از رنگ یکی از ویژگی‌های سبک مینیمالیسم است. هم‌چنین اصول دیگر تئوری گشتالت از جمله: مشابهت، مجاورت، تکرار، عنصر متصل، سرنوشت مشترک، فراپوشاندگی، تداوم، موازات و تقارن در پوستر دیده می‌شود (تصویر ۱).



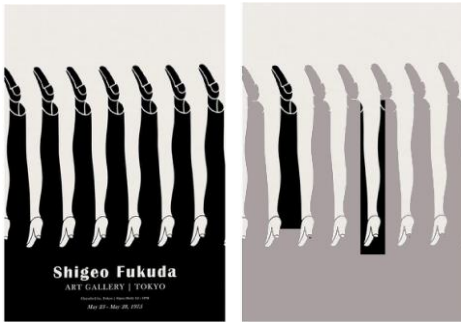
تصویر ۱- Letter S مسابقات قهرمانی، سریگراف (سیلک

اسکرین) روی کاغذ بافته سفید اثر فوکودا. منبع: (1: URL)

تحلیل تصویری ۱- الف: پوستر Letter S. منبع: (نگارندگان)

تحلیل تصویری ۱- ب: پوستر Letter S. منبع: (نگارندگان)

پوستر دیگری به سفارش شرکت تولیدی یو سی سی، پوشیمای ژاپن توسط فوکودا، این پوستر طراحی گردیده‌است. همان‌طور که مشاهده می‌شود دست‌ها یکی در میان متعلق به خانم‌ها و آقایان است، بدین معنا که این محصول هم برای خانم‌ها و آقایان است، بدین معنا که این محصول برای خانم‌ها کاربرد دارد هم برای آقایان. هم‌چنین اصل بستار در حد بالایی در این طراحی دیده می‌شود، یعنی از کل بدن انسان‌ها، تنها دست‌ها قابل‌رویت هستند اما مخاطب هر دست را متعلق به یک انسان کامل درک می‌نماید زیرا تنها موجودی که از انواع مختلف قهوه به اشکال گوناگون به خصوص به شکل نوشیدنی استفاده می‌کند، انسان است. در ضمن با ویژگی‌ای که در آستین‌ها دیده می‌شود چه از نظر رنگ و چه از لحاظ فرم، جنسیت صاحبان این دست‌ها قابل تشخیص است. چرخش



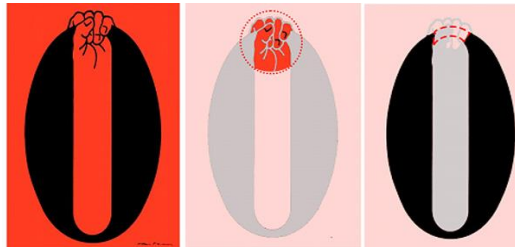
تصویر ۳- Dancing shoes (کفش‌های رقص)، اثر فوکودا.

منبع: (URL: 3)

تحلیل تصویری ۳- پوستر Dancing shoes. منبع: (نگارندگان)
شیگئو فوکودا برای طراحی این پوستر، تصویر یک سگ از نژاد پاکوتاه که دارای بدن کشیده‌ای است را از وسط برش زده و پس از آن، دو نیمه را کمی جابه‌جا کرده‌است. وی با این شیوه، تصویر جدیدی از یک سگ پا کوتاه باهوش با بدنی پر رمز و راز و غیرواقعی که هیچ‌گاه قبلاً دیده نشده‌است، طراحی کرده‌است. اصل بستر که مورد بحث این پژوهش است و انتخاب نمونه‌ها بر اساس آن می‌باشد نیز در این نمونه مشاهده می‌گردد، به‌این‌نحو که با وجود طراحی دو نیمه از حیوان، ذهن بیننده، شکل حیوان را تکمیل نموده و آن‌ها را به سبب تجربه قبلی که در ذهن دارد یک حیوان کامل دیده و هویت تصویر را درک نموده و شکل را متعلق به یک سگ بازپگوش می‌داند و آن را در حال حرکت دَوَرانی تصور می‌نماید، علاوه بر اصل بستر اصول دیگر تئوری گشتالت از جمله: مشابهت در قسمت نوشته‌هایی که در بالای کادر قرار گرفته‌است و هم‌چنین اصل تکرار به‌سبب تکرار هر مجموعه از آن‌ها به‌چشم می‌خورد، اصل مجاورت، سرنوشت مشترک، پیوستگی و اصل شکل و زمینه در قسمت بدن سگ نمود پیدا می‌کند یعنی نگاه مخاطب بین سطح بدن با دورخطِ آن رد و بدل می‌گردد. نوشته‌ها از سه رنگ کروماتیک و تصویر سگ از یک رنگ به‌صورت خطی تشکیل شده‌اند، با اینکه از چهار رنگ کروماتیک به عنوان شکل و یک رنگ آن کروماتیک سیاه به عنوان زمینه استفاده شده باز هم سبک مینیمال از این طرح برداشت می‌شود و آن تنها به علت کم بودن تعداد عناصر موجود در پوستر و باریک بودن خطوط رنگی است (تصویر ۴).

تصویر سوم معروف‌ترین پوستر شیگئو فوکودا است که برای نمایشگاهی از آثارش به نمایش گذاشته شده است. هنرمند در این نمونه نیز از اصل بستر استفاده کرده، بدین معنا که وی فقط یک پای سوژه‌های خود را طراحی نموده و بدن‌ها را حذف کرده علاوه بر این ذهن بیننده، شکل را کامل می‌بیند و هویت تصویر را درک می‌نماید و یکسری انسان با لباس سیاه در کنار هم به‌طور معکوس تصور می‌گردد این حالت به دلیل تجربه پیشین در حافظه مخاطب، با ایجاد تداعی معانی، موجب شناسایی سوژه‌ها توسط بیننده می‌گردد، فوکودا با به‌کارگیری اصل بستر سعی بر درگیر کردن ذهن مشاهده‌گر داشته و وادار کردن او به تفکر را هدف خود قرار داده‌است، این‌گونه است که بیننده با کشف تصاویر به‌صورت جداگانه بر سر ذوق آمده و این هیجان موجب ماندگاری تصاویر پوستر و به‌دنبال آن پیام موردنظر هنرمند می‌گردد. اصول دیگر تئوری گشتالت از جمله: اصل مشابهت، یعنی شباهت بین پاهای مردانه و از سوی دیگر پاهای زنانه، اصل مجاورت، بدین گونه که عناصر کنارهم قرار گرفته‌اند، اصل تکرار که تعدد عناصر یک‌شکل به چشم می‌خورد، شکل و زمینه، سرنوشت مشترک، تداوم، منطقه مشترک، موازات و فراپوشانندگی وجود دارد. فوکودا در این پوستر برای انتقال مفهوم مورد نظرش از تکنیک خطای دید که به‌عنوان امضای وی در آثارش دیده می‌شود و بیشتر طراحی‌های او بر اساس این تکنیک است، دو تصویر قرینه که یک تصویر به‌طور انفرادی را در خود جای داده و موجب خلق یکدیگر شده‌اند. پاها از دو جنس زن و مرد به‌طوری طراحی و ترکیب گردیده‌اند که یکدیگر را تکمیل می‌کنند. هیچ‌گونه رنگ کروماتیکی در این پوستر دیده نمی‌شود، تنها رنگ‌های آن کروماتیک سیاه و سفید برای زمینه و فیگورها و نوشته‌های پایین کادر به‌کاررفته است که نشانی از سبک مینیمالیسم می‌باشد (تصویر ۳).

برده‌است. یک رنگ کروماتیک نارنجی برای زمینه و آن کروماتیک سیاه برای صفر و دورخط دست، اشاره به مینیمال بودن سبک این اثر هنری دارد. فوکودا از خطای دید هم استفاده کرده‌است (تصویر ۵).

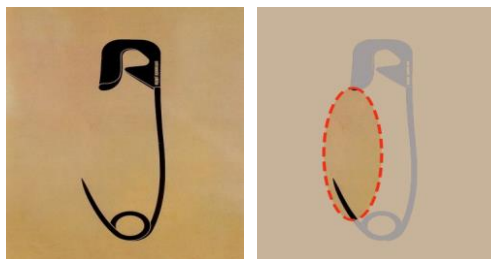


تصویر ۵- پنجاهمین بزرگداشت هیروشیما ناگازاکی اثر فوکودا.
منبع: (URL: 5)

تحلیل تصویری ۵- الف: پوستر پنجاهمین بزرگداشت هیروشیما.
منبع: (نگارندگان)

تحلیل تصویری ۵- ب: پوستر پنجاهمین بزرگداشت هیروشیما.
منبع: (نگارندگان)

«آلودگی محیطی» عنوان پوستر بعدی است که هنرمند به خطر رها کردن این‌گونه اجسام در محیط زیست اشاره نموده و با تغییر شکل آن بر خلاف تصور بیننده، میزان جلب توجه را بالا برده‌است. طراح برای حصول به این منظور از اصل بستر این‌گونه استفاده کرده که قسمت سوزن سنجاق قفلی را کوتاه رسم نموده در حالی که این وسیله در واقعیت با چنین فرمی وجود نداشته و کاربری ندارد ولی باز هم برای مخاطب قابل تشخیص است و کاربرد آن را می‌داند. اصول دیگر گشتالت در این اثر مشاهده نمی‌شود، همین‌طور اثری از خطای دید وجود ندارد. استفاده از یک رنگ کروماتیک آکر یا قهوه‌ای روشن با کمی بافت خاکی برای زمینه که حس آلودگی می‌دهد و یک رنگ آن کروماتیک سیاه برای شکل و وجود تنها یک عنصر، موجب مینیمال جلوه دادن این پوستر گردیده است (تصویر ۶).



تصویر ۶- environmental pollution (آلودگی محیطی) اثر فوکودا.
منبع: (URL: 6)

تحلیل تصویری ۶- پوستر environmental pollution (آلودگی محیطی).
منبع: (نگارندگان)

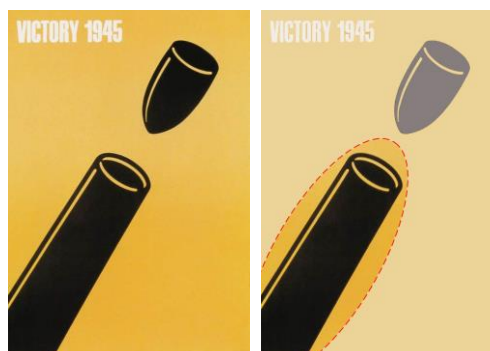


تصویر ۴- Tradition et Nouvelles Techniques (تکنیک‌های سنتی و جدید)، اثر فوکودا. منبع: (URL: 4)

تحلیل تصویری ۴- Tradition et Nouvelles Techniques.
منبع: (نگارندگان)

تصویر پنجم به مناسبت پنجاهمین بزرگداشت ناگازاکی ژاپن این پوستر طراحی گردیده‌است. ناگازاکی، شهری ساحلی در جنوب غربی هیروشیما است که در سال ۱۹۲۵ میلادی در طول جنگ جهانی دوم از جانب امریکا بمباران هسته‌ای شد. یک دست مشت شده، عدد صفر را گرفته و آن را فشار می‌دهد که پیام آن به‌مثابه اعتراض به جنگ و اتمام آن است. پنج انگشت و عدد صفر مجموعاً عدد پنجاه را نشان می‌دهد که نشان‌گر پنجاهمین بزرگداشت ناگازاکی می‌باشد. اصل بستر به‌صورت بسیار قوی در این نمونه پوستر وجود دارد به این جهت که مخاطب فقط قسمتی از دست را می‌بیند از طرفی دیگر بخشی از عدد صفر حذف گردیده‌است ولی ذهن، این اشکال را کامل کرده و هویت تصویر را به‌گونه‌ای که در حافظه ته‌نشین و ذخیره گشته به‌واسطه فرآیند تداعی معانی بازخوانی کرده و درک می‌نماید، اصل دیگر ادراک بصری یعنی اصل شکل و زمینه در پوستر دیده می‌شود، هنرمند از این اصل با استفاده از فضای مثبت و منفی بهره برده‌است و توسط آن، مفهوم تصویر را در ذهن جابه‌جا می‌کند، این اصل نیز با قوت در طراحی به‌کار رفته است. ترکیب عدد صفر و فضای منفی آن با ایجاد خطای دید، فرم دست را به وجود آورده‌است، به‌گونه‌ای که مخاطب در یک لحظه دست را دیده و لحظه بعد صفر برایش تداعی می‌شود. حرف (N) در گوشه سمت چپ پوستر در واقع حرف اول کلمه ناگازاکی می‌باشد، فوکودا بدین وسیله باز هم از سبک مینیمال استفاده نموده و فقط یک حرف از این کلمه را که هدف و علت اصلی این طراحی می‌باشد را به کار

پوستر هفتم با عنوان «پیروزی ۱۹۴۵» نمونه بعدی است که مورد تحلیل قرار می‌گیرد. فوکودا این پوستر ضد جنگ را در سال ۱۹۴۶ یعنی یک سال بعد از اتمام جنگ جهانی دوم به‌عنوان اعتراض به جنگ طراحی نموده‌است. اصل بستر به‌طور بسیار قوی در این اثر خودنمایی می‌کند. بدین معنا که فقط بخشی از لوله اسلحه در صفحه مشاهده می‌شود ولی به‌واسطه وجود فشنگ، این لوله را می‌توان متعلق به یک سلاح تصور کرد. اصول دیگر گشتالت به‌کار رفته در این نمونه پیوستگی و موازات است. طراح از اصل سرنوشت مشترک یعنی قرار دادن فشنگ در راستای سر اسلحه نیز بهره برده‌است. با وجود اینکه از فضای مثبت و منفی استفاده گردیده ولی خطای دید رخ نمی‌دهد. سبک مینیمالیسم کاملاً مشهود است زیرا تنها از دو عنصر لوله تفنگ و فشنگ و فقط از دو رنگ یکی برای زمینه و دیگری برای شکل استفاده شده‌است (تصویر ۷).

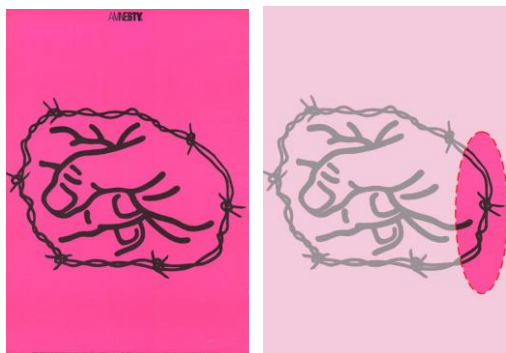


تصویر ۷- Victory 1945 (پیروزی ۱۹۴۵) اثر فوکودا.

منبع: (URL: 7)

تحلیل تصویری ۷- پوستر Victory 1945. منبع: (نگارندگان) پوستر انتخابی بعدی برای «عفو بین‌الملل» که یک مشت گره‌کرده با سیم خاردار را نشان می‌دهد، نمونه هشتم این تحقیق است. تصویر مشت توسط چند خط منحنی طراحی گردیده و اطراف دست با سیم خاردار نشان داده شده‌است که هیچ‌یک مطابق با یک دست کامل و واقعی انسان نیست تنها نمادی از یک دست تا می‌چ آن می‌باشد، در حالی که بیننده آن‌ها را به شکل یک کل درک نموده و بر اساس اصل بستر این مجموعه خطوط را متعلق به یک انسان می‌داند. اصول دیگر نظریه گشتالت مشاهده نمی‌شود. هنرمند از

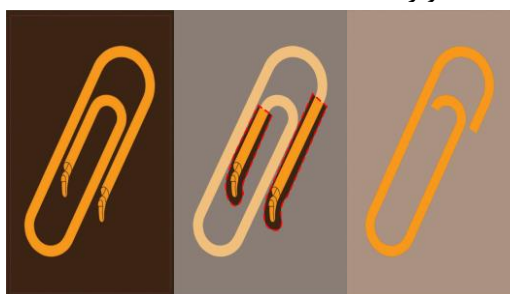
سبک مینیمال به‌واسطه حداقل استفاده از عناصر و رنگ بهره برده‌است. بدین معنا که فقط دو عنصر دست و سیم خاردار و تنها یک رنگ کروماتیک صورتی برای زمینه و یک رنگ آن‌کروماتیک سیاه برای شکل را به‌کار برده‌است. به‌سبب جدا بودن شکل و زمینه و تشخیص آن‌ها از یکدیگر، خطای دید وجود ندارد (تصویر ۸).



تصویر ۸- Amnesty (عفو) اثر فوکودا. منبع: (URL: 8) تحلیل تصویری ۸- پوستر Amnesty. منبع: (نگارندگان)

«حقوق بشر» شعار نهمین نمونه انتخابی این پژوهش می‌باشد. نوشته‌های کنار کادر در زبان فرانسوی به معنای «حقوق بشر کمتر» است. پیام این پوستر مخالفت با نقض حقوق اجتماعی انسان‌ها است، این‌گونه که سیاه‌پوستان دیده نمی‌شوند و حقوقشان پایمال می‌گردد. پنج تصویر تخت از انسان به‌طور ناقص در این پوستر کنار هم قرار گرفته‌اند که دوتای آن‌ها به رنگ سیاه به‌صورت سیلوئت^{۱۴} مشاهده می‌شوند در حالی که ذهن بیننده قادر به کامل دیدن هریک از آن‌ها می‌باشد. با این ویژگی، اصل بستر به‌واسطه تکمیل هریک از تصاویر ناکامل در این نمونه به‌طور بسیار بارز قابل توضیح است. اصول دیگری از گشتالت که در این نمونه وجود دارد، اصل مشابهت، مجاورت، موازات، فراپوشاندگی، تکرار، تداوم و سرنوشت مشترک می‌باشد. سوزدهای سیاه به‌علت هم‌رنگ بودن با زمینه از اصل شکل و زمینه پیروی کرده و ایجاد خطای دید می‌نماید. دو رنگ کروماتیک آبی و قرمز به‌اضافه دو رنگ آن‌کروماتیک سفید و سیاه در این پوستر به‌کار رفته است که تضاد رنگی بالایی دارند، این کم بودن تعداد رنگ‌های استفاده شده را

رنگ، گرم هستند، به علت کنتراست بالا توجه بیننده را بیشتر جلب می‌نماید برخلاف انتظار، خطای دید بین زمینه و شکل ایجاد نمی‌شود ولی نگاه مخاطب بین پا و گیره کاغذ رد و بدل می‌گردد. از اصول دیگر گشتالت می‌توان پیوستگی و موازات را نام برد. سبک مینیمالیسم کامل در این نمونه مشهود است زیرا طراح تنها از دو عنصر ساده و استلیزه شده و دو رنگ یکی برای زمینه و دیگری به عنوان شکل بهره برده است (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۰- Foot Groove (شیار پا) اثر فوکودا، منبع: (URL: 9)
تحلیل تصویری ۱۰- الف: پوستر Foot Groove. منبع: (نگارندگان)
تحلیل تصویری ۱۰- ب: پوستر Foot Groove. منبع: (نگارندگان)
جدول (۱) تنظیم گردیده است تا نمایه‌ای از به کار گیری اصول نظریه گشتالت در نمونه‌هایی از پوسترهای شیگئو فوکودا را نشان دهد.

به گونه‌ای می‌توان گفت که هنرمند از سبک مینیمال پیروی نموده است (تصویر ۹).



تصویر ۹- Human Rights (حقوق بشر) اثر فوکودا. منبع: (URL: 9)

تحلیل تصویری ۹- پوستر Human Rights. منبع: (نگارندگان)
در آخرین نمونه پوستر از فوکودا با عنوان «شیار پا» اصل بستار در قسمت پاها استفاده شده بدین معنا که فقط قسمت پایین پا تا حدود زیر زانو قابل مشاهده است و با تجربه پیشین مخاطب از این تصویر استلیزه شده، پاهای یک انسان درک می‌شود در عین اینکه با کلیپس کاغذ ترکیب گردیده است و در ادامه، ذهن به تکمیل تصویر دو پا که با کفش و شلوار همراه است، پرداخته و انسان کامل را تصور می‌نماید. هنرمند با استفاده از دو رنگ متضاد قهوه‌ای و نارنجی که هر دو

جدول ۱- نمایه‌ای از به کارگیری اصول نظریه گشتالت در نمونه‌هایی از پوسترهای شیگئو فوکودا. منبع: (نگارندگان)

نمونه پوستر	نمایش اصل به کار رفته در پوستر	اصول تئوری گشتالت
		بستار (تکمیل یا یکپارچگی)
		مجاورت
		مشابهت (همگونی)
		روابط شکل و زمینه
		سرنوشت مشترک
		پیوستگی (تداوم)
		منطقه مشترک
		فراپوشاندگی
		موازات
		عنصر متصل
		تقارن
		تکرار

جدول ۲- بررسی تطبیقی یافته‌های تحقیق حاصل از تحلیل پوستره‌های شیگئو فوکودا براساس اصول گشتالت. منبع: (نگارندگان)

پوسترها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
اصول گشتالت										
بستار	★	★	★	★	★	★	★	★	★	★
شکل و زمینه	★	★	★	★	★				★	
مشابهت	★	★	★	★					★	
مجاورت	★	★	★	★					★	
عنصر متصل	★	★								
سرنوشت مشترک	★	★	★	★			★		★	
پیوستگی	★	★	★	★			★		★	★
منطقه مشترک		★	★							
موازات	★	★	★	★			★		★	★
تقارن	★	★	★	★		★				★
فراپوشاندگی	★			★					★	
تکرار	★	★	★	★					★	

جدول ۳- اصول گشتالت در ۱۰ پوستر انتخابی شیگئو فوکودا. منبع: (نگارندگان)

تکرار	فراپوشاندگی	تقارن	موازات	منطقه مشترک	پیوستگی	سرنوشت مشترک	عنصر متصل	مجاورت	مشابهت	شکل و زمینه	بستار	اصول گشتالت
۵	۴	۶	۷	۲	۷	۶	۲	۵	۵	۶	۱۰	تعداد پوسترها

جدول ۴- درصد پوستره‌های انتخابی شیگئو فوکودا دارای اصول گشتالت. منبع: (نگارندگان)

تکرار	فراپوشاندگی	تقارن	موازات	منطقه مشترک	پیوستگی	سرنوشت مشترک	عنصر متصل	مجاورت	مشابهت	شکل و زمینه	بستار	اصول گشتالت
۵۰	۴۰	۶۰	۷۰	۲۰	۷۰	۶۰	۲۰	۵۰	۵۰	۶۰	۱۰۰	تعداد پوسترها بر اساس درصد

در این پژوهش با تنظیم این جداول، میزان رعایت اصل بستار در پوستره‌های مینیمال این هنرمند شاخص این سبک، جهت جلب توجه بیننده و ماندگاری پیام پوستر در ذهن او، تبیین گردیده‌است، در هر دو جدول اینطور دیده می‌شود که اصل بستار در همه پوستره‌های انتخاب شده رعایت گردیده، پس از آن اصل پیوستگی و موازات در ۷ نمونه، اصل شکل و زمینه، سرنوشت مشترک و تقارن در ۶ نمونه استفاده

شده و در ۵ نمونه دیگر اصول مشابهت، مجاورت و تکرار به کار رفته، در ۳ مورد اصل فراپوشاندگی و در ۲ مورد از اصول عنصر متصل و منطقه مشترک هم‌زمان بهره گرفته شده‌است.

نتیجه‌گیری

در راستای پژوهش این نتیجه حاصل گردید که بر اساس مطالعات و بررسی پوسترهایی که به سبک مینیمال طراحی شده و به سبب سادگی و استفاده حداقلی از عناصر و رنگ، مانع گیج شدن و سردرگمی مخاطب گشته و موجب انتقال سریع پیام و جذب حداکثری بیننده می‌گردد، روش مذکور بسیار مناسب است از سوی دیگر بهره بردن از اصول گشتالت برای به هیجان آوردن مشاهده‌گر و اختصاصاً به‌کارگیری اصل بستار که نقطه تمرکز پژوهش حاضر می‌باشد. به موجب ایجاد حس کشف و به‌دنبال آن ماندگار شدن این پیام در ذهن گیرنده پیام و به یادآوردن این پیام پس از سال‌ها توسط فرآیند تداعی معانی با مشاهده یا شنیدن تصاویر یا موضوعاتی که به آن پیام دریافتی شباهت دارند، این تحقیق را به این نتیجه‌گیری رسانده‌است که همه این موارد مورد بحث مانند ابزاری است در دست طراح تا پوستری طراحی نماید که عمر طولانی داشته و تا سال‌ها در اذهان مخاطبانش باقی بماند.

همواره ذهن انسان تمایل به کل‌نگری داشته و زمانی که تعداد عناصر از درک و تشخیص فرد فراتر باشد مغز میل به دسته‌بندی آن‌ها دارد و عناصر شبیه به‌هم یا مجاور هم یا در یک مسیر قرار گرفته را در یک مجموعه قرار داده و آن را یک عنصر، درک می‌نماید. طبق رویکرد نظریه‌پردازان بزرگ، همان‌گونه که در فصل مبانی نظری آورده شده، هنرمندان و طراحان از این ویژگی مغز می‌توانند بهره برده و در انتقال هرچه بهتر و سریع‌تر پیام خود به مخاطبان‌شان موفق گردند. بنابراین اصل بستار مشاهده‌گر را به چالش کشیده و موجب تفکر وی برای دریافت فرم کلی عنصر ناکامل و کشف ناگهانی ذهن او و هیجان به‌دست آمده توسط این کشف و بیان عبارت/هان فهمیدم گشته و کمک به ماندگاری پیام نموده‌است. از جهتی دیگر اصل شکل و زمینه دارای پراگماتیک قوی‌ای می‌باشد و

هنرمند را به خواسته خویش یعنی انتقال و ماندگاری پیام ناآل می‌سازد.

قابلیت جذب هرچه سریع‌تر مخاطب را به علت جابه‌جایی نگاه بیننده بین شکل و زمینه داراست، در نتیجه استفاده هم‌زمان دو اصل قوی در یک پوستر

پی‌نوشت

1. Minimalist
2. Gustalt
3. Shigeo Fukuda
4. Poster
5. Closure principle
6. Association of meanings
7. persuasion
8. Pragnanz
9. Max Wertheimer
10. Kurt Kafka
11. Wolfgang Kohler

۱۲. Geoffrey Keady از هواداران متعصب طراحی دیجیتال به‌صورت خودآموخته بود که به‌صورتی جامع در عقیده سنت‌شکن بودند.

۱۳. Bary Deck از هواداران متعصب طراحی دیجیتال به‌صورت خودآموخته بود که به‌صورتی جامع در عقیده سنت‌شکن بودند.

۱۴. Silhouette نقاشی سیاه یک‌دست، به صورت سیاه‌نما یا سیاه‌رخ نشان دادن، تصویر سایه‌نما.

منابع

- احسنت، ستاره؛ اردلانی، حسین؛ صافیان، محمدجواد؛ ذاکر حقیقی، کیانوش (۱۳۹۸)، دگرگونی فرآیند ادراک اثر هنری در نسبت میان نشانه و مفهوم، فصلنامه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، ۲۴(۴)، ۵۹-۵۸.
- استخریان حقیقی، امیررضا؛ احسنت، ستاره (۱۴۰۰)، تقابل ادراک مخاطبان اثر هنری از کشف و دگرگونی در نسبت با اصل تداعی و ساختار نشانه، نشریه هنرهای زیبا، هنرهای تجسمی، ۲۶(۱)، ۸۴-۸۳.
- استراوس، آنسلم؛ کرین، جولیت (۱۳۹۰)، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، مترجم: بیوک محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم و مطالعات فرهنگی.
- ایتن، یوهانس (۱۳۹۳)، هنر رنگ/یتن، مترجم: عربعلی شروه، تهران: انتشارات یساولی.
- بلفورت، جردن (۱۴۰۰)، شیوه‌گرگ، مترجم: امیرپویا چراغی، تهران: انتشارات نوین توسعه.
- پراتکانیس، آنتونی؛ آرتسون، البوت (۱۳۸۳)، عصر تبلیغات، مترجم: کاووس سید امامی و محمدصادق عباسی، تهران: سروش، انتشارات صدا و سیما.
- حسینی، غزال (۱۳۸۸)، فضای مثبت، فضای منفی: نقش فضای منفی در پوسترهای فرهنگی ایران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته ارتباط تصویری، دانشگاه هنر، دانشکده هنرهای تجسمی.
- دین‌پناه، سعید (۱۳۹۳)، زیبایی‌شناسی در گرافیک متحرک، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد.
- شاپوریان، رضا (۱۳۸۶)، اصول کلی روانشناسی گشتالت، تهران: انتشارات رشد.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۱)، نشانه‌معناشناسی دیداری، تهران: انتشارات سخن.
- قاسمی‌نیا، احسان (۱۳۹۷)، بررسی و تحلیل تأثیرات بصری مینیمالیسم در پوسترهای معاصر ایران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته ارتباط تصویری، مؤسسه آموزش عالی کمال‌الملک.
- محسنیان‌راد، مهدی (۱۴۰۱)، ارتباط‌شناسی، ویرایش ۲، تهران: انتشارات سروش (صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران).

- مپروند، احد؛ عطاری‌خامنه، امیر (۱۳۹۳)، بررسی سه شعر از پروین اعتصامی بر اساس دو عنصر ارسطویی کشف و دگرگونی، پژوهش/ادبیات معاصر جهان، ۱۹(۱)، ۱۷۷.
- نیوآرک، کوئنتین (۱۳۹۳)، طراحی گرافیک چیست؟، مترجم: مرجان زاهدی، تهران، نشر مشکی.
- ویل، آلن (۱۳۸۶)، گرافیک یک قرن پوستر و طراحی تبلیغاتی، مترجم: سونیا رضاپور، تهران: انتشارات یساوولی.
- همائی‌فر، سحر (۱۳۹۷)، بررسی کاربرد نظریه ادراک بصری گشتالت در انیمیشن دوبعدی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته تصویر متحرک، دانشگاه هنر، دانشکده سینما و تئاتر.

References

- Lee, D. H. (2007), *Effective Use of Negative Space in Graphic Design*. Retrived Agust 2, 2009 From <http://www.ritdml.rit.edu/>.
- Nute, K. (1993), *Frank Lloyd Wright and Japan*, New York: Van Nostrand Reinhold, p 127.
- 3-Ozler, L. (2006), *Just Enough Is More: Exhibition of Graphic Design by Milton Glaser at BYU*
- URL1: <https://internationalposter.com/> Accessed at 1403-03-10
- URL2: <https://www.designspiration.com/save/1831041588703/> Accessed at 1403-03-10
- URL3: <https://www.google.com/search?q=61uuJsQMmAL.AC.SL1500+famousgraphicdesigners.org&rlz=1C1GCEA> Accessed at 1403-03-10
- URL4: <https://www.designspiration.com/save/5776532072751/> Accessed at 1403-03-15
- URL5: <https://internationalposter.com/>
- URL6: <https://www.redbubble.comigreeting-cardShigeo-Fukuda-Environmental-Pollution-by-HollieDesign/> Accessed at 1403-03-15
- URL7: <https://www.sessions.edunotes-on-designdesigner-focus-shigeo-fukuda/Antiwar/> Accessed at 1403-03-15
- URL8: <https://www.spoon-tamago.comantiwar-posters-by-graphic-designer-shigeo-fukuda/> Accessed at 1403-03-20
- URL9: <https://www.designspiration.comsave911230928764/> Accessed at 1403-03-20
- URL10: <https://www.designspiration.com/save/689791478194> Accessed at 1403-03-20